

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٥٧٩٧



دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان

بررسی تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی تألیفی کودکان از سال
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ (مطالعه موردی کتاب‌های داستانی کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان)

توسط:

حمید خوجانی

استاد راهنما:

دکتر جهانگیر جهانگیری

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

تیر ماه ۸۷

۱۰۵۷۹۷

به نام خدا

بررسی تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی تألیفی کودکان از

سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

(مطالعه موردی کتاب‌های داستانی کانون پرورش فکری کودکان و

نوجوانان)

به وسیله‌ی:

حمید خوجانی

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی

لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

مطالعات زنان

دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته‌ی پایان‌نامه با درجه عالی.....

دکتر جهانگیر جهانگیری، استاد یار بخش جامعه‌شناسی (رئیس کمیته).....

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی، استاد یار بخش جامعه‌شناسی.....

دکتر حبیب احمدی، دانشیار بخش جامعه‌شناسی.....

تیر ماه ۸۷

تقدیم به:

پدر، مادر و همسر

سپاسگزاری

از استاد گرامی جناب آقای دکتر جهانگیری که با راهنمایی‌های سازنده خود مرا در انجام این کار یاری نمودند، سپاسگزارم. همچنین از استادان بزرگوار، جناب آقای دکتر زاهد و جناب آقای دکتر احمدی که همواره در جهت بهبود فعالیت‌هایم کوشش کردند صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

از استادان محترم بخش جامعه‌شناسی که در مدت کوتاه تحصیل، نکات بسیاری از ایشان آموختم کمال تشکر را دارم.

در این جا بر خود لازم می‌دانم از همسرم که در این مسیر با صبر و بردباری یار و یاورم بودند قدردانی نمایم.

در پایان از منشی‌های محترم بخش جامعه‌شناسی سرکار خانم سالاری و سرکار خانم بذرافشان به علت زحمات بسیار، بی‌نهایت سپاسگزارم از دوستان مهربان آقایان خالویی، روزگار، میرزایی، حسینی، حسین زاده، جلیلی، مظفری، به علت زحمات زیادی که در طول مدت انجام این پایان نامه متحمل شده‌اند قدردانی نموده و برای همگی آرزوی سلامتی و بهروزی دارم.

چکیده

بررسی تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی تألیفی کودکان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵
(مطالعه موردی کتاب‌های داستانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)

به وسیله‌ی:

حمید خوجانی

کتاب‌های داستان کودکان نقش مهمی در انتقال فرهنگ، ارزش‌ها، نقش‌های جنسیتی و جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کنند. بنابراین نحوه‌ی معرفی زنان و مردان در این کتاب‌ها از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و نویسندگان داستان‌ها به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از طریق داستان، الگوهای متعدد و کلیشه‌های جنسیتی را به جامعه عرضه می‌نمایند، بنابراین توجه نویسندگان در انتخاب محتوای کتاب‌های داستانی و پیام‌های آنها، می‌تواند به صحت و سلامت فرآیند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی کودکان کمک نماید. به همین دلیل، مسئله‌ی کلی پژوهش حاضر عبارت است از: بررسی تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی تألیفی کودکان که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰ انتشار یافته‌اند. بر اساس پژوهش حاضر، تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی در ۴ سطح: ۱- تبعیض جنسیتی در ارجاعات اجتماعی اشخاص مذکر و مونث ۲- تبعیض جنسیتی در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مونث ۳- تبعیض جنسیتی در رفتارهای اجتماعی-عاطفی ۴- تبعیض جنسیتی در صفات، اشارات و کنایه‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است و مسائلی مانند سطح اشتغال، فعالیت‌های حرفه‌ای، محل حضور زن و مرد، فعالیت‌های خانگی، فعالیت تربیتی با کودک، فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های ماجراجویانه و اکتشافی، عواطف مثبت و منفی، ضعف و قدرت شخصیت، مقاومت در برابر فشار، صفات اشارات و کنایه‌ها را مورد توجه قرار داد.

در این تحقیق از نظریه‌ی تبعیض جنسیتی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. در انجام این پژوهش و پاسخ به مسئله‌ی تحقیق، روش تحلیل محتوا به کار رفته است. جامعه‌ی آماری و نمونه‌گیری یکی می‌باشد و شامل ۳۶ عنوان کتاب می‌باشد، که در قالب ۸۲ داستان بیان شده‌اند. از تکنیک پرسشنامه‌ی معکوس برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و اعتبار آن با نقد بررسی نظریه‌ی تبعیض جنسیتی، بحث و تبادل نظر با متخصصین تأمین گردید و جهت پایایی از «پایایی کدگذاری درونی» و «پایایی کدگذاری بیرونی» استفاده گردید. در مجموع یافته‌های بدست آمده از این پژوهش دلالت بر آن دارد که در کتاب‌های داستانی مورد بررسی، تبعیض جنسیتی در هر چهار سطح وجود دارد و زنان در جایگاهی فرودست‌تر از مردان به تصویر کشیده شده‌اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۱-۱-۱	مقدمه
۳	۲-۱- طرح مساله
۴	۳-۱- اهمیت تحقیق
۴	۴-۱- اهداف تحقیق
۶	فصل دوم: پیشینه تحقیق
۶	۱-۲- زن در آینه‌ی فرهنگ و ادب پارسی
۱۰	۲-۲- تحقیقات داخلی
۱۳	۳-۲- تحقیقات خارجی
۱۶	۴-۲- نقد تحقیقات پیشین
۱۷	فصل سوم مبانی نظری تحقیق
۱۷	۱-۳- نظریه‌های روان‌شناختی
۱۸	۳-۱-۱- نظریه‌ی فروید
۱۹	۳-۱-۲- نظریه‌ی یادگیری اجتماعی
۲۰	۳-۱-۳- نظریه‌ی رشد شناختی
۲۲	۳-۱-۴- نظریه‌ی طرح‌واره‌ی جنسیتی
۲۳	۳-۲- نظریه‌های جامعه‌شناختی
۲۴	۳-۲-۱- نظریه‌های زیستی-اجتماعی
۲۵	۳-۲-۲- نظریه‌ی نقش جنسیتی پارسونز
۲۶	۳-۲-۳- نظریه‌های جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی
۲۷	۳-۲-۴- نظریه‌های فمینیستی جامعه‌پذیری جنسیت
۲۹	۳-۲-۵- نظریه‌ی نقد ادبی فمینیستی
۳۱	۳-۲-۶- نظریه‌ی باور قالبی

۳۲ نظریه‌ی کلیشه‌های جنسیتی
۳۳ نظریه‌ی تبعیض جنسیتی
۳۶ چارچوب نظری پژوهش
۳۷ سوالات این پژوهش بر اساس چارچوب نظری تحقیق

فصل چهارم: چارچوب روش تحقیق ۳۸

۳۸ ۱-۴ مقدمه
۴۱ ۲-۴ جامعه‌ی آماری و نمونه‌گیری
۴۱ ۳-۴ واحد تحلیل
۴۱ ۴-۴ روش جمع‌آوری اطلاعات
۴۲ ۵-۴ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۴۲ ۶-۴ اعتبار و پایایی

فصل پنجم: تجزیه و تحلیل داده‌ها ۴۴

۴۴ ۱-۵ آمار توصیفی
----	-----------------------

فصل ششم: بحث و نتیجه‌گیری ۶۳

۶۳ ۱-۶ خلاصه و نتیجه‌گیری
۸۱ ۲-۶ محدودیت‌ها
۸۱ ۳-۶ توصیه‌های پژوهشی

فهرست منابع ۸۴

۸۴ منابع فارسی
۸۸ منابع لاتین
۹۱ نمونه کاربرد

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵۲	جدول ۵-۱- تعداد و درصد اسامی به تفکیک جنس
۵۴	جدول ۵-۲- تعداد و درصد تصاویر به تفکیک جنس
۵۵	جدول ۵-۳- توزیع تعداد و درصد مشاغل به تفکیک جنس
۵۶	جدول ۵-۴- توزیع تعداد و درصد فعالیت‌های حرفه‌ای به تفکیک جنس
۵۸	جدول ۵-۵- توزیع تعداد و درصد مکان حضور به تفکیک جنس
۵۹	جدول ۵-۶- توزیع تعداد و درصد فعالیت‌های خانگی به تفکیک جنس
۶۰	جدول ۵-۷- توزیع تعداد و درصد فعالیت‌های تربیتی با کودکان به تفکیک جنس
۶۱	جدول ۵-۸- توزیع تعداد و درصد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به تفکیک جنس
۶۳	جدول ۵-۹- توزیع تعداد و درصد فعالیت‌های اوقات فراغت به تفکیک جنس
۶۴	جدول ۵-۱۰- توزیع تعداد و درصد فعالیت‌های ماجراجویانه واکتشافی به تفکیک جنس
۶۶	جدول ۵-۱۱- توزیع تعداد و درصد عواطف مثبت و منفی به تفکیک جنس
۶۷	جدول ۵-۱۲- توزیع تعداد و درصد ضعف و قدرت شخصیت به تفکیک جنس
۶۸	جدول ۵-۱۳- توزیع تعداد و درصد عکس العمل در برابر فشار به تفکیک جنس
۶۹	جدول ۵-۱۴- توزیع تعداد و درصد صفات، اشارات و کنایه‌ها به تفکیک جنس

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۵	نمودار شماره ۵-۱- برای تعداد اسامی به تفکیک جنس
۴۵	نمودار شماره ۵-۲- درصد اسامی به تفکیک جنس
۴۶	نمودار شماره ۵-۳- تعداد تصاویر به تفکیک جنس
۴۷	نمودار شماره ۵-۴- درصد تصاویر به تفکیک جنس
۴۸	نمودار شماره ۵-۵- تعداد مشاغل به تفکیک جنس
۴۹	نمودار شماره ۵-۶- تعداد فعالیت‌های حرفه‌ای به تفکیک جنس
۵۱	نمودار شماره ۵-۷- تعداد مکان حضور به تفکیک جنس
۵۲	نمودار شماره ۵-۸- تعداد فعالیت‌های خانگی به تفکیک جنس
۵۲	نمودار شماره ۵-۹- درصد فعالیت‌های خانگی به تفکیک جنس
۵۴	نمودار شماره ۵-۱۰- تعداد فعالیت‌های تربیتی با کودکان به تفکیک جنس
۵۵	نمودار شماره ۵-۱۱- تعداد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به تفکیک جنس
۵۵	نمودار شماره ۵-۱۲- درصد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به تفکیک جنس
۵۶	نمودار شماره ۵-۱۳- تعداد فعالیت‌های اوقات فراغت به تفکیک جنس
۵۷	نمودار شماره ۵-۱۴- تعداد فعالیت‌های ماجراجویانه و اکتشافی به تفکیک جنس
۵۸	نمودار شماره ۵-۱۵- درصد فعالیت‌های ماجراجویانه و اکتشافی به تفکیک جنس
۵۹	نمودار شماره ۵-۱۶- تعداد عواطف مثبت و منفی به تفکیک جنس
۶۰	نمودار شماره ۵-۱۷- تعداد ضعف و قدرت شخصیت به تفکیک جنس
۶۱	نمودار شماره ۵-۱۸- تعداد عکس‌العمل در برابر فشار به تفکیک جنس
۶۲	نمودار شماره ۵-۱۹- تعداد صفات، اشارات و کنایه‌ها به تفکیک جنس

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

تبعیض جنسیتی^۱، یعنی اعمال و رفتار، پیشداوری‌ها و ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرو دست تر و کم‌ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌دانند که این مسئله هنوز نیز در ردیف بدترین مصیبت‌هایی است که مایه‌ی درد و رنج و محرومیت بشر می‌شوند، زیرا که از یک سو، زنان از این وضعیت عذاب می‌کشند و از سوی دیگر، تمام جوامع، ذخیره‌ای عظیم از توانایی‌های فکری و انسانی که نادیده گرفته شده یا تحقیر گشته‌اند را از دست می‌دهند (میشل، ۱۳۸۱: ۱۶).

تحت تاثیر جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان است که مفهوم "تبعیض جنسیتی" رواج یافته است. این مفهوم اشاره دارد به اعمال و افکار تبعیض آمیز نسبت به زنان و نیز به اینکه این اعمال و افکار به همان اندازه نادرست و محکوم شدنی‌اند که اعمال و افکار تبعیض آمیز قومی، دینی یا سیاسی. تا چندی پیش هرگونه تبعیض نسبت به جنس زن حاصل یک نظام طبیعی محسوب می‌شد که وظایف و نقش‌های متفاوتی را بر عهده زنان مردان می‌گذاشت. چنین عقیده‌ای هنوز در بسیاری از نقاط جهان حاکم است. اما در پی ابداع عبارت "تبعیض جنسیتی" برای رسوا کردن همه‌ی انواع این تبعیض‌ها، پیشرفت اجتماعی بزرگی حاصل شده است. رواج این عبارت نشان دهنده‌ی آن است که تفاوت‌های تحقیر کننده‌ی جنس زن نه ناشی از اراده خداوند است، نه حاصل یک نظم طبیعی، نه مبتنی بر زیست‌شناسی، بلکه نتیجه رفتار اجتماعی نادرست و ناعادلانه با زنان است و چنین رفتاری از این پس باید کنار گذاشته شود و موقعیت عادلانه و شایسته‌ی زنان جایگزین آن گردد، موقعیتی که در آن جایگاه زنان، همتای مردان در تمام عرصه‌های جامعه (خانواده، کار، زندگی اجتماعی، سیاسی، هنری، دستیابی به علم و فنون و ورزش و مانند آنها) باشد (همان، ۱۸).

^۱. Gender Discrimination

جامعه‌پذیری، فرایندی است که اعضای جوان و تازه وارد جامعه، فرهنگ اجتماع خویش را می‌آموزند. به عبارت دیگر، انسان‌ها از طریق آن اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادات را از فرهنگ اخذ می‌کنند و شخصیت فردی ویژه‌ای را برای خویش کسب می‌کنند (محسنی، ۱۳۶۹: ۱۶۸).

تحقیقات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که تقریباً در کلیه کشورهای جهان زن و مرد به شیوه‌های متفاوتی جامعه‌پذیر می‌شوند. این نوع جامعه‌پذیری را «جامعه‌پذیری جنسیتی^۱» می‌نامند و به این معنی است که هر جنس به گونه متفاوتی آموزش می‌بیند تا بتواند در آینده نقش‌هایی را که از او توقع می‌رود به خوبی انجام دهد (مطیع، ۱۳۷۴: ۲۵). کودکان نقش‌های جنسیتی خود را به طور سریع و موثر فرا می‌گیرند. در واقع، آنان مدت‌ها قبل از آنکه از اساس بیولوژیکی این نوع تفاوت‌ها آگاهی یابند، از وجود دو جنس و هویت خویشتن آگاهی و اطمینان حاصل می‌کنند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۹۱).

عوامل بسیاری در فرایند جامعه‌پذیری دخیل می‌باشند. مانند خانواده، مدرسه، گروه همسالان و وسایل ارتباط جمعی به ویژه در جوامع معاصر، حائز اهمیت می‌باشند (Korenhos, 1993: 190). اما از بین عوامل فوق، کتاب‌های داستانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند زیرا از قابل توجه‌ترین امتیازات داستان، آموزش غیر مستقیم آن است. یعنی این مزیت را دارد که برخلاف کتاب‌های آموزش رسمی، کودکان و نوجوانان را مستقیماً هدف گفته‌های خود قرار نمی‌دهد؛ بلکه به طور غیر مستقیم در صدد پاسخگویی به نیازهای گوناگون خوانندگان خود است. در نتیجه میزان تاثیر آنها در کودک و نوجوان بسی بیشتر است (مقصودی، ۱۳۸۳: ۴۲).

ساختار داستان‌هایی که با هدف بازتاب واقعیت‌های جامعه، افکار و تنوع موقعیت‌ها، برای دو جنس مذکر و مونث طرح‌ریزی شده‌اند از تبعیض جنسیتی آشکار و پنهان در امان نیستند. در واقع امر، به طور ضمنی، نابرابری‌ها، کلیشه‌ها^۲ و تبعیض‌های جنسیتی را که در بیشتر جامعه‌های کنونی دامن‌گیر دختران و زنان است، به مخاطبان منتقل می‌کنند. در این کلیشه‌سازی‌ها، مردان بسیار بیشتر از زنان از ارزش‌های مثبت (شجاعت، هوش، اعتماد به نفس، خطرپذیری، ماجراجویی و روحیه ابتکار) بهره‌مندند و زنان به صورت شخصیت‌های بی بهره از این صفات به اصطلاح «مردانه» و برخوردار از صفات معروف به «زنانه» ترسیم می‌شوند؛ صفات زنانه‌ای که گویا مردان فاقد آن هستند. ادبیات می‌تواند به گزینش آزادانه شخصیت‌ها، مستقل از جنس آنان، احترام بگذارد و الگوهای متنوع‌تری را به مخاطبان عرضه کند. الگوهایی که از کلیشه‌های مسلط، هر چه بیشتر رها شده‌اند و شکوفایی و ابراز وجود شخصیت را ممکن می‌سازند.

1. Gender socialization

2. Stereotypes

۱-۲- طرح مسأله

کودکان ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی‌شان را از طریق ادبیات کودک می‌آموزند، ادبیات کودک روشن می‌سازد که هویت و عزت نفس کودکان می‌تواند تحت تاثیر الگوهای منفی ارائه شده از زنان در ادبیات کودکان قرار گیرند (Gooden and Gooden, 2001: 45). داستان در کنار اشکال و انواع ادبی دیگر، یک رسانه‌ی ارتباطی است که طی نسل‌های متمادی عناصر و الگوهای جامعه را حفظ و منتقل می‌سازد و نویسندگان داستان‌ها به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه و از طریق داستان، الگوهای متعدد و کلیشه‌های جنسیتی را به جامعه عرضه می‌نمایند. با توجه به اینکه کودکی یکی از مقاطع حساس عمر انسان و نیز اوج دوران جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت کودک می‌باشد، کتاب‌های داستانی به دلیل داشتن مخاطب زیاد در کنار خانواده و دیگر رسانه‌ها در جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر بسزایی دارند.

در بیشتر پیام‌هایی که از رهگذر کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به دانش‌آموزان و کودکان منتقل می‌شود، دگرگونی‌های پراهمیتی که طی دهه‌های اخیر در زندگی زنان روی داده، نادیده گرفته می‌شود. در واقع، با وجودی که زنان متعلق به محیط‌های فرهنگی و اجتماعی با سنت‌های مختلف نشان داده‌اند که قادرند در عرصه‌هایی که به طور سنتی مختص مردان بوده است، نقش فعال ایفا کنند و ارتقای مقام بیابند، در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان این دگرگونی‌ها اصلاً، یا دست کم به طور کامل بازتاب نیافته است. بعضی از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان همچنان حامل پیام‌های غالباً نادرست و پوسیده‌اند و در آنها از دگرگونی‌های واقعی نشانی نیست. این آثار در تقویت و استحکام چنین دگرگونی‌هایی نقش فعالی ندارند و با اوضاع جدید سازگار نیستند. به همین سبب، تصویرهای کلیشه‌ای جنس‌ها از این کتاب‌ها می‌تواند محو گردد و طوری عمل شود که این کتاب‌ها به تقویت برخوردهای مثبت و مساعد برای برابری جنس‌ها بپردازند و دگرگونی‌های ضروری فقط هنگامی روی خواهند داد که مسولان تهیه، نگارش، تصویرگری، انتشار و تفسیر کتاب‌های کودکان به تاثیر زیان بار تداوم نقش‌ها و تصویرهای کلیشه‌ای انتسابی به هر جنس، متقاعد شده باشند (میشل، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

وجود این کاستی‌ها و حساسیت این موضوع از نظر فرهنگی و اجتماعی، انگیزه‌ای است که موجب شد، کتاب‌های داستانی کودکان برای پژوهش انتخاب شوند و با توجه به اینکه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یکی از انتشارات مهم می‌باشد که در زمینه‌ی کتاب‌های کودکان فعالیت دارد، کتاب‌های این انتشارات به عنوان نمونه‌ی مورد بررسی انتخاب شدند.

۱-۳- اهمیت تحقیق

خانواده و جامعه سعی دارند نقش‌های اجتماعی را به کودکان بیاموزند. در این بین کتاب‌های داستانی با ارائه نقش‌هایی در قالب قصه به کمک آنها می‌آیند و قالب‌های رفتاری هر جنس را آموزش می‌دهند.

از آنجا که کودک دامن‌های لغات خود را از طریق کتاب گسترش می‌دهد و نقش‌ها و روابط اجتماعی را فرا می‌گیرد، بنابراین نحوه‌ی معرفی زنان و مردان در این کتاب‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. کودکان با مطالعه این کتاب‌ها با نقش‌های زنان و مردان در جامعه آشنا شده و خود را برای ایفای نقش در جامعه آماده می‌کنند. اهمیت توجه به نقش‌های زنان، جایگاه زنان و وجود تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی ما را بر آن داشت تا نحوه‌ی معرفی زنان و مردان را در کتاب‌های داستانی کودکان بررسی کنیم.

۱-۴- اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش "بررسی تبعیض جنسیتی در کتاب‌های داستانی تألیفی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خاص گروه‌های سنی «الف» و «ب» و «ج» طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵" می‌باشد. بر اساس تقسیم‌بندی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گروه سنی الف: شامل آمادگی و سال اول دبستان، گروه سنی ب: سال دوم و سال سوم دبستان و گروه سنی ج: سال چهارم و پنجم دبستان را شامل می‌شود.

اهداف جزئی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- تعداد اسامی و تصاویر بکار رفته‌ی زنان در این داستان‌ها در مقایسه با مردان چگونه می‌باشد؟
- ۲- نحوه‌ی انعکاس مشاغل، فعالیت‌های حرفه‌ای و بازنمایی مکان حضور زنان و مردان در این داستان‌ها چگونه می‌باشد؟
- ۳- به لحاظ انجام فعالیت‌های خانگی، فعالیت‌های تربیتی، فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی، زنان داستان‌ها در مقایسه با مردان چگونه به نمایش گذاشته شده‌اند؟

۴- نحوه‌ی انعکاس فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های ماجراجویانه و اکتشافی، زنان در مقایسه با مردان چگونه می‌باشد؟

۵- ویژگی‌های عاطفی، شخصیتی و نحوه‌ی عکس‌العمل زنان در برابر فشارهای اجتماعی در این داستان‌ها در مقایسه با مردان چگونه می‌باشد؟

۶- نحوه‌ی استفاده‌ی صفات، اشارات و کنایه‌ها، برای زنان و مردان در این داستان‌ها چگونه است؟

فصل دوم

پیشینه تحقیق

به دلیل خاصیت انباشتی علم، هیچ محققی بی نیاز از مطالعه و کاربرد نتایج تحقیقات صورت گرفته قبلی نیست. مرور پژوهشهای پیشین اهمیت موضوع را برای محقق مشخص می‌کند و او را قادر می‌سازد تا محدوده تحقیق خود را تعیین نماید. همچنین استفاده از منابع علمی متعدد راه را برای دید وسیعتر محقق در امر پژوهش هموار کرده و ارائه تحقیقات علمی ازسوی وی راهگشای فعالیتهای علمی بعدی در ابعادی وسیعتر و ارائه فرضیات جدیدتر می‌باشد و از دوباره کاری هم جلوگیری می‌کند.

قبل از پرداختن به تحقیقاتی که به بررسی نقش زن در کتاب‌های داستانی کودکان پرداخته اند ضروری به نظر می‌رسد که نگاهی اجمالی به نقش زن در فرهنگ و ادب پارسی بیافکنیم.

۲-۱- زن در آینده‌ی فرهنگ و ادب پارسی

فرهنگ شعر و ادب پارسی عمدتاً مرد محور و بعضاً ضد زن بوده است زنان یا مطرح نمی‌شوند و اگر هم مطرح می‌شوند یا برای تحقیر و رد و حذف است یا به عنوان معشوقه که عامل جذابیتش، حداکثر در تن و بدن و چشم و ابرو و خط و خال آنها خلاصه می‌شود نه بیشتر، در طرف مقابل، بررسی تاریخ و فرهنگ و ادب جوامع مختلف مبین آن است که چندین هزاره است که خمیره‌ی جوامع بشر با سرشت مردسالاری و پدرسالاری سرشته شده است. حداکثر عنایتی که در فرهنگ و ادب و تاریخ و تاریخ نویسی به زنان شده آن است که گفته می‌شود در پشت هر جنگ و کشتار و نابودی یک زن منتفذ حضور دارد (کدیور، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

در زمینه‌ی توجیه نابرابری میان زن و مرد، اشعار ضرب المثل‌ها و داستان‌ها چنان فراوان و کوبنده‌اند که نه کسی را توان تردید باقی می‌ماند و نه یارای مقابله، مخالفان چنین نهضت ادبی هم ناآگاه و زن ذلیل می‌باشند (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۲).

در کلیله و دمنه شخصت‌های افسانه‌ای که عمدتاً حیوانات هستند سخن می‌گویند. در جای جای این کتاب به بهانه‌های مختلف از زبان شخصیت‌های حکایت، سخن از بی‌وفایی

زنان و ناپایداری عهد ایشان رفته است و این کار با گنجاندن زشتکاری زنی افسانه‌ای و فرضی که در داستان نقش دارد، موجه جلوه داده می‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۶).

امام محمد غزالی در «نصیحه الملوک» زنان را به لحاظ خلق و خوی به ده گروه تقسیم می‌کند و به هر گروه نام حیوانی را می‌نهد: «بدان که جملگی [خوی] زنان بر ده گونه است و خوی هر یک به صفت چیزی از حیوانات مانند است یکی چون خوک، دوم چون کپی (بوزینه)، سوم دیگر چون سگ، چهارم چون مار، پنجم چون استر، ششم چون کژدم، هفتم چون موش، هشتم چون کبوتر، نهم چون روباه، دهم چون گوسفند» (غزالی به نقل از قره داقی، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

در آثار سعدی عنصر زن از دو جهت قابل مطالعه است. اول نگرش تغزلی و عاشقانه او که بیشتر در غزلیات می‌باشد و دوم نگرش اخلاقی و اجتماعی‌اش که در بوستان و گلستان به چشم می‌خورد. در نگاه تغزلی و عاشقانه، سعدی خود را یک عاشق پاکبخته بر آستان معشوق نشان می‌دهد و در مخاطب هرآنچه می‌بیند لطف است و جمال و دلبری و بی‌وفایی آمیخته با حسن که تمنای وصال را شدیدتر می‌کند. در نگرش اخلاقی و اجتماعی سعدی، زنی مطلوب است که خوبروی و مستور و نیک خوی باشد:

زن خوب رامش افزای و بس
که زن باشد از درد فریادرس
همه مستور باشد زن نیک خوی
به دیدار او در بهشت است شوی
سعدی ویژگی یک زن خوب را فرمانبری و اطاعت از شوی و پارسایی و امانتداری بر می‌شمرد:

زن خوب فرمانبر پارسا
کند مرد درویش را پادشا

(قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۱۰)

خواجه نظام الملک طوسی می‌گوید: اول مردی که فرمان زن کرد و او را زیان داشت و در رنج و محنت افتاد، آدم بود؛ علیه السلام که فرمان حوا کرد و گندم بخورد تا از بهشت بیفتاد و دویست سال می‌گریست تا خدای تعالی بر وی ببخشد و توبه او پذیرفت... و همیشه پادشاهان و مردان قوی رای طریقی سپرده‌اند و چنان زندگی کرده که زنان و جفتان ایشان از دل ایشان خبر نبوده است و از بند هوا و فرمان ایشان آزاد زیسته‌اند و مسخر ایشان نشدند، چنان که اسکندر کرد (خواجه نظام الملک طوسی به نقل از کدیور، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

بوذرجمهر را پرسیدند: سبب چه بود که پادشاهی آن ساسان ویران گشت و تو تدبیرگر آن پادشاه بودی و امروز ترا به رای و تدبیر و خرد و دانش در همه جهان هم‌تا نیست؟ گفت: سبب دوچیز است یکی آنکه آن ساسان بر کارهای بزرگ، کاردان خرد و نادان گماشتند و دیگر آنکه دانش و اهل دانش را دشمن داشتندی. باید که مردان بزرگ و خردمند خریداری کنند و به کار دارند و سر و کار من با زنان و کودکان افتاد و این هر دو را با خرد و دانش نباشد و هر گاه که کار پادشاهی با زنان و کودکان افتد، بدان که پادشاهی از آن خانه خواهند رفت (همان: ۱۳۹).

در مثنوی خسرو شیرین نظامی گنجوی نیز پس از تشبیه زن به ریحان یا سبزه رسته بر سفال، حکایت بی‌وفایی زن و شمشیر و اسب رفته است و وفا صفت مردان شمرده شده که از زنان نباید توقع آن را داشت و سعی و چاره‌سازی مردان برای جستجوی وفا در زنان ره به جای نرسانده است:

زنان مانند ریحان سفالند	درون سو خبث و بیرون جمال‌اند
نشاید یافتن در هیچ بر زن	وفا در اسب و در شمشیر و در زن
بس کردند مردان چاره‌سازی	ندیدند از یکی زن راست بازی

(جودی نعمتی، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

عبدالرحمان جامی نیز از نقصان عقل و دین زن سخن می‌گوید و او را سزاوار اعتبار و اعتماد نمی‌داند.

عقل زن ناقص است و دینش نیز	هرگزش کامل اعتماد مکن
گر بد است از وی اعتبار مگیر	ور نکو بر وی اعتماد مکن

(لنگرودی، ۱۳۷۶: ۸۴)

شیخ محمود شبستری نیز مانند جامی بر نقصان عقل زنان تاکید می‌کند و عقیده دارد که: «زنان چون ناقصات و دین‌اند چرا مردان ره ایشان گزینند»

(یثربی، ۱۳۷۸: ۶۷)

در زبان پارسی اشعاری هستند که به صورت ضرب المثل درآمده‌اند. با نگاهی اجمالی به برخی از این اشعار و ضرب المثل‌ها می‌توان به دید منفی آنها پی برد.

- مرا ز زادن دختر چه خرمی باشد	که کاش مادر من هم نزادی از مادر
- به نزد پدر دختر ارچند دوست	بر دشمنش مهمترین ننگ اوست
- زنان نازک دلند و سست رایند	بهر خو چون بر آیشان برآیند
- بگفتار زنان هرگز مکن کار	زنان را تا توانی مرده انگار
- زنان چون درختند سبز آشکار	ولیک از نهان زهر دارند بار
- زنان چون ناقص عقلند و دینند	چرا مردان ره آنان گزینند
- زنان در آفرینش ناتمامند	ازیرا خویش کام و زشت نامند
- دو کیهان گم کنند از بهر یک کام	چو کام آید نجویند از خرد نام
- زنان راستایی سگان راستای	که یک سگ به از صد زن پارسای
- زنان را همین بس بود یک هنر	نشینند و زاینند شیران نر
- زن ارچه زیرک و هشیار باشد	زبون مرد خوش گفتار باشد
- زن از پهلوی چپ گویند برخاست	نیاید هرگز از چپ راستی راست
- زن از پهلوی چپ شد آفرین	کسی از چپ راستی هرگز ندیدن

- زن چو مار است زخم خود بزند
- نه به حجت توان براه آورد
- نه به سوگند راستکار شود
- زن نیک در خانه مار است و گنج
- از مردم سرفراز نزیبید که با زن نشیند به راز
- اسب و زن و شمشیر وفادار که دید
- زن ناقص العقل است
- زن نداری غم نداری
- زن پارسا در جهان نادر است
- بدانش زنان کی نمایند راه
- وفا از زن مخواه از سگ وفا جو
- خواب زن چپ می‌زند
- زن دنده کج است
- زن زن باشد اگر چه شیر باشد
- مکر از زنان و ابلیس از شیطان است
- مکر زن ابلیس دید و بر زمین بینی کشید
- بر مرد سلاح حرب زیباست
- چه مردی بود کز زنی کم بود
- زن نگیر تا جانت را بگیرد
- زن دلش طاقچه ندارد
- دهان زن چفت و بند ندارد
- زن نخود زیر زبانش نمی‌خیسد
- زن یعنی بزن
- ظاهر و باطن مرد یکی است
- مرد را کار و کار را مردان

برای نمونه به چند تن از نویسندگان معاصر ایرانی که نسبت به زن دید منفی داشته‌اند می‌پردازیم.

صادق هدایت به عنوان یکی از نویسندگان معاصر که داستان‌هایش برگرفته از آداب و فولکلور ایرانی می‌باشد، دارای سبکی ساده و سرشار اما توأم با پیچیدگی خاص است چهره‌ی زن در آثار هدایت چیزی میان واقعیت و رویا است. تصویر زن در علویه خانم، [سگ ولگرد، بوف کور] به نحوی تمسخرآمیز از هرزگی و آلودگی زن حکایت می‌کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲).

اکثر داستان‌های هدایت‌نمایشی است از زندگی تیره و تار زنان ایرانی که زیر فشار بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌های اجتماعی کمر خم کرده‌اند (قربانی، ۱۳۶۷: ۲۳).

صادق چوبک در داستان‌هایش همه چیز را متصل به غریزه‌ی جنسی می‌کند و طبیعتاً تصویری که از زن توسط او ارائه می‌گردد در حد موجودی حیوانی با غرایز جنسی است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲).

جلال آل احمد در ترسیم زن‌ها در قصه‌هایش از حد ذهنیت جامعه سنتی فراتر نمی‌رود. زن قصه‌های جلال آل احمد زنی سنتی است که می‌پزد، مشغول پرحرفی و وراچی است به جادو و جمبل می‌پردازد و با استفاده از رمال در فکر گشودن بخت خود می‌باشد (علی پورگسگری، ۱۳۸۰: ۸۹).

با توجه به مطالبی که ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که زن ایرانی در ادبیات فارسی مقام شایسته‌ای نداشته است. ادبیات کلاسیک ایران از زن به بی وفای مکر، خیانت، غیر قابل اعتماد و افرادی که از نظر عقلی ناقص هستند یاد کرده است به ندرت می‌توان به وصف زنان خوب و فرمانبر و پارسا برخورد کرد. در ادبیات معاصر نیز اغلب چهره‌ی زن به صورت موجودی هرزه و خیال باف به تصویر کشیده شده است.

آرین‌پور در توضیح زن در ادبیات فارسی می‌نویسد «اگر تمام سخنان گویندگان و نویسندگان در ادوار مختلف تاریخ جمع زده شود، روی هم رفته نتیجه به سود زنان نخواهد بود» (آرین‌پور به نقل از کدیور، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

۲-۲- تحقیقات داخلی

بدر طالعی و صبا از بررسی ۲۰۰ داستان فولکلوریک و ۱۰۳ داستان کودکان از نویسندگان ایرانی به این نتایج رسیدند که نقش زن در داستان‌های کودکان سرزمین، به اهمیت نقش مردان نیست؛ چرا که از ۳۰۳ داستان فولکلوریک و معاصر مجموعاً در ۲۱۶ داستان، یا هیچ اشاره‌ای به زن و نقش او نشده است و یا نقش زن فرعی و جزئی است. در داستان‌های فولکلوریک، زنان در نقش مادر، خواهر، همسر، معشوقه و نامادری، هوو، دلاله، جادوگر و... ظاهر می‌شوند و اگر در پیشبرد داستان اثری هم داشته باشند، بیشتر انگیزه مشوق و پشتیبان یا مانع اعمال قهرمان مرد داستان هستند. نقش این شخصیت‌ها اغلب منفی است تا مثبت. در بررسی داستان‌های معاصر، زن اغلب در نقش کدبانو و پشتیبان کودک ظاهر می‌شود، هر چند نویسندگان به ستایش و حرمت از زن یاد می‌کنند، اما چهره واقعی زن در زندگی امروز چنانکه هست، در بیشتر این داستان‌ها به تصویر کشیده نمی‌شوند (بدر طالعی و صبا، ۱۳۵۶).